Archive of SID

نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات
و علوم انسانی دانشگاه تبریز
سال ۴۷، زمستان ۱۳۸۳
شمارهٔ مسلسل ۱۹۳

آرایش و آفرینش واکی، شیوه‌ای بدیع در آفرینش هنری

(بر پایهٔ دیوان خاقانی)

دکتر محمد حسین کرمی*
E-mail:mhkarami@rose.shirazu.ac.ir

چکیده

شاعران از شیوه‌های گوناگونی برای آفریدن مضامین ژرف و آراستن کلام خویش بهره برده‌اند و سخن‌شناسان و ناقدان کوشیده‌اند که اسباب و ساز و کار این زیباییها را بیابند؛ بر آنها نامی بنهند و برایشان قواعدی وضع نمایند. شگفت است که یک نوع برجسته، زیبا و پرکاربرد از ظرایف ادبی که در نخستین اشعار بازماندهٔ فارسی، به وسیلهٔ رودکی به کار گرفته شده، همچنان تا امروز، بی‌نام و نشان باقی مانده است. این آرایه اختصاص به مواردی دارد که شاعران با هر کدام از حروف الفبا به طور مجزا یا با جدا کردن حرف یا حروفی از کلمه، برجستگی ویژه‌ای بدان بخشیده‌اند و بدین وسیله مفاهیمی عالی را لباسی آراسته پوشانده‌اند. از میان انواع فراوان آن در سالهای اخیر یک نوع آن را بازی با حروف یا بازی با واژگان خوانده‌اند؛ در حالی که فقط به آن یک نوع کم ارزش می‌توان عنوان «بازی» داد و اکثر قریب به اتفاق آنها، مضمون آفرینی‌های شگرفی هستند که با آراستگی خاصی ارائه شده‌اند و ارتباط چندانی نیز با آنچه بازی با حروف یا بازی با واژگان خوانده شده، ندارند. لذا برای نخستین بار به طور ویژه به بررسی این نوع هنری پرداختیم و عنوان آرایش و آفرینش واکی را برای آن برگزیدیم.

در این مقاله اغلب ابیات واج آراستهٔ خاقانی که غالباً زیبایی شگفت‌انگیزی دارند و برخی از ابیات هنرمندانهٔ شاعران دیگر، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و در رهگذر بیان زیباییها، سعی شده که گره مفاهیم ابیات نیز گشوده گردد.

واژه‌های کلیدی: فروگشادن واکها، آفرینش هنری، خاقانی، مضمون پردازی، تشبیه با حروف، آرایه‌های ادبی، الفبا.

*- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

مقدمه

هدف از نوشتن این مقاله، نشان دادن آفرینشهای هنری شاعران به ویژه خاقانی، به وسیلهٔ حروف و واکهای کلمات به صورت مجزا یا مقطّع است. اصطلاحی که خودم پیش از این در ذهن داشتم، "بازی با حروف" بود؛ اما اکنون با توجه به بررسیها، اصطلاح "بازی" را به هیچ وجه مناسب این کاربرد هنری نمی‌دانم، بلکه آن را ظلمی آشکار، نسبت به اغلب شاعرانی می‌دانم که از این شیوهٔ هنری استفاده کرده‌اند، و با توجه به ساختمان و شکل حروف و واژه‌ها، مضامین بسیار بدیع و زیبا آفریده‌اند. بنابراین در نامی که برای این مقاله انتخاب شد از آوردن کلمهٔ "بازی" پرهیز گردید و نام "آرایش و آفرینش واکی، شیوه‌ای بدیع در آفرینش هنری" برای آنها انتخاب شد.

در هیچ‌کدام از کتابهای بدیع قدیم و جدید از قبیل المعجم، مدارج‌البلاغه، ابدع‌البدایع، معالم‌البلاغه، حدایق‌السحر، صناعات ادبی استاد همایی، بدیع دکتر فشارکی، زیورهای سخن و ... نه تنها نامی از بازی با حروف نیست، بلکه از صنعتی که مربوط به حروف باشد، از قبیل توزیع یا تکریر (تکرار) یا واج‌آرایی هم اثری نیست. در ابدع‌البدایع، صنعتی به نام توزیع آورده شده است که دقیقاً معادل التزام، در مفهوم آوردن کلمه یا کلماتی در تمام مصرعها یا ابیات است. شاید درّهٔ نجفی نخستین کتابی باشد که صنعتی به نام توزیع، در معنی تکرار حرف معینی در بیت آورده است ـ که البته با آنچه مورد نظر نگارنده در این مقاله است کاملاً متفاوت می‌باشد ـ : «متکلم ... ملتزم شود که حرف معینی را در هر کلمه بیاورد؛ مثال شعر فارسی از استادی (فرصت‌الدوله):

در سایهٔ سروی به سرای بستان از ساقی سیم‌ساق، ساغر بستان»

(درّهٔ نجفی ص ۱۳۴)

دکتر سیروس شمیسا این صنعت را به شیوه‌ای دقیق‌تر و کامل‌تر توضیح داده‌اند و آن را به تکرار واک، تکرار هجا، تکرار کلمه و تکرار عبارت و تکرار واک را به دو بخش «الف: هم‌حروفی: تکرار یک صامت با بسامد بالا در جمله ...

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

ب: هم صدایی: تکرار یا توزیع مصوت در کلمات ...» تقسیم کـــــرده‌اند. (نگاهی تازه به بدیع، ص ۵۷ و ۵۸)

شاید نخستین کسی که در آثار بدیعی به یک نوع از این هنرنمایی شاعران با حروف مقطع در مصرع و بیت توجه کرده، دکتر شمیسا باشد. ایشان همراه با دو مثال از صنعتی به نام حرف‌گرایی نام برده‌اند و صرفاً به تشبیهاتی توجه دارند که در آنها حروف الفبا یکی از طرفین تشبیه باشد و لاغیر. نظر ایشان عیناً نقل می‌گردد: «حرف‌گرایی: یعنی تشبیه به شکل و موقعیت حروف الفبا ... این مورد که در بدیع سنتی اسمی ندارد بسیار مورد توجه قدما بوده است:

زلف تو را جیم که کرد؟ آن‌که او — خال تو را نقطهٔ آن جیم کرد ... (رودکی)

تا به بالا تـو راست چـون الفـی — ما چو لامیم در میـان بلا (کمال خجندی)»

(نگاهی تازه به بدیع ص ۸۲)

چنان‌که خواهیم دید، علاوه بر تشبیه با حروف الفبا که باعث آفرینش مضامین جالب نیز شده است، ابیات فراوانی در اشعار وجود دارد که هیچ‌گونه ارتباطی با تشبیه ندارد.

ظاهراً نخستین کسی که از لفظ "بازی" برای گروهی از آرایه‌ها استفاده کرده و از صنعتی به نام "بازی با واژگان" نام برده است، دکتر کزّازی است. ایشان صنایع حذف، خیفا، رقطا، مقطّع، موصّل، موقوف، تفصیل، توصیل، مربع، ملمع و تصحیف را عنوان "بازی با واژگان" داده‌اند که یک صنعت به نام هجا نیز در این مجموعه جای دارد. ایشان نوشته‌اند: «آن‌چه را "بازی با واژگان" می‌نامیم پاره‌ای از کاربردهای ویژه در بدیع است که ارزش هنری چندانی ندارند؛ زیرا نه چون آرایه‌های درونی پندارخیزند و ساختار معنایی سروده را می‌پرورند و نـــه ... این کاربردها تنها بازیهایی‌اند دشوار و پیچیده بـــا واژگان.» (زیبایی‌شناسی سخن ... ص ۱۶۸) و در این باره حق با ایشان است.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

و دربارهٔ "هجا" به عنوان یکی از این مجموعه نوشته‌اند «بازیی دیگر با واژگان، آن است که هجا خوانده شده است. هجا آن بازی است که پاره‌ای از سخن، آن‌چنان باشد که حروف واژگان جدا جدا برخوانند؛ نمونه را امیر معزّی گفته است:

آفرین کن شاه و صاحب را، که نام هر دو است *سنجر و محمد*

پارهٔ دوم بیت را چنین باید خواند: سین و نون و جیم و را و میم و حا و میم و دال» (زیباشناسی سخن ... ص ۱۷۳)

چنان‌که ملاحظه می‌شود توجه دکتر کزّازی فقط به مواردی است که حروف کلمات به صورت جدا جدا خوانده می‌شوند و یک مصرع یا قسمتی از یک مصرع را تشکیل می‌دهند. در این موارد هیچ‌گونه مضمون‌آفرینی هنری مشهود نیست و به قول ایشان "ارزش هنری چندانی ندارند" اما شاعرانی چون خاقانی و نظامی با توجه به شکل واکها و واژه‌ها یا جدا کردن یک واک یا بیشتر از واژه‌ها، چنان مضامین زیبایی آفریده‌اند که مایهٔ شگفتی است. این‌گونه کاربرد، هم پندارخیزند و هم ساختار معنایی را می‌پرورند و برعکس پیچیدگی چندانی ندارند و نام بازی نیز مناسب آنها نیست. یادآوری می‌شود که این نوع کاربرد هنری، گونه‌ای مستقل است، نه ارتباطی به تکرار و توزیع دارد، نه به جناس و نه هجا و نه "بازی با واژگان" با توضیح و مثالی که آورده شد و نه صنایع دیگر. اینک به بررسی این آرایهٔ زیبا می‌پردازیم.

آرایش واکی

در اینجا منظور از آرایشهای واکی، آرایه‌هایی است که با جدا کردن یا تمایز و تشخص بخشیدن به واک یا واکهایی از کلمه، مضمونی زیبا یا پنداری شاعرانه و جذاب آفریده شده باشد.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

از آغاز شکل‌گیری شعر در فارسی دری، شاعران به این توانایی زبانی و آرایهٔ نوشتاری توجه داشته‌اند؛ به طوری که نخستین نمونهٔ آن را می‌توان در شعر رودکی و تشبیه زلف خمیدهٔ معشوق به حرف جیم و مانند کردن نقطهٔ خال او به نقطهٔ جیم، مشاهده کرد.

اما هرچه از عمر شعر فارسی، به ویژه شعر درباری و مدحی می‌گذرد، آن زبان ساده و صمیمی و پیرایه‌های حسی و طبیعی، به سوی زبانی دشوارتر و پرتکلف‌تر که اقتضای دربارها و زبان فخیم و پرطمطراق و آکنده از زرق و برق و فضل‌فروشی، که برای جلب ممدوحان است پیش می‌رود و شاعران می‌کوشند تا از تمام عناصر، اعم از زمینی و آسمانی و خیالی در حوزهٔ شعر بهره گیرند و آنچه شاعران پیش، بدانها نپرداخته یا کمتر پرداخته‌اند، مورد توجّه بیشتری قرار دهند یا به کمال برسانند. لذا در قرن ششم، شعر اغلب شاعران مصنوع‌تر و فنی‌تر، آراسته‌تر، علمی‌تر(آکنده از اصطلاحات علوم مختلف) عربی‌تر و پر زرق و برق‌تر شد و این امر به ویژه در اشعار انوری به عنوان شاعری درباری و عالم و در شعر خاقانی و نظامی علاوه بر آشنایی بر علوم و فنون و معتقدات و اصرار بر استفاده از آنها در شعر، زبان شاعران منطقهٔ آذربایجان نیز بی‌تأثیر نبود.

همچنین آنها کوشیدند تا از عنصر زبان و نوشتار و شکل نگارش واکها و واژه‌ها و چگونگی ترکیب و تلفیق آنها نیز استفاده کنند و به جای ساختن ابیاتی در "آرایهٔ بازیهای" بی‌ارزشی چون مقطّع و موصّل و رقطا و خیفا و ... مضامینی پدید آورند که از دید زیباشناختی و هنری بسیار ارزشمـــند است. مثلاً با توجه به جـــدا نوشتن طبیعی دو واج "ز" و "ر" در واژهٔ "زر" در ص ۳۲۲ دیوان خاقانی آمده است:

زر دو حرف افتاد و با هم هردو را پیوند نی پس کجا پیوند سازد با دل یکتای من

و یا درست برعکس آن، گاهی شکل واجهای یک واژه، برخلاف طبیعت معنایی آنهاست؛ مثلاً:

به صـــورت دوحـــرف کـــژ امّـا (دل) امّا ز دل راستگوتـــر گوایـــی نیابـــی

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

(همان، ص ۴۱۶)

و بدین‌ترتیب مضامین بسیار گوناگونی آفریدند که باید اوج‌آنها را در شعر خاقانی جستجوکرد.

مضمون‌پردازی

مضامین شگفت‌انگیزی که همراه با آرایش واکی آفریده شده، بسیار متنوع است؛ مانند توجه به ساختمان واژه‌هـــا و حروف آنها، نوع و شکل نوشتار و پیوسته یا جدا بودن واکهای آن، تعداد واجهایی که واژه را ساخته‌انـــد و مقایسهٔ آن با واژه‌ای که حرفی بیشتر یا کمتر دارد و توجه به نقش آن واج، قائل شدن نقش نمادین بـــرای برخی از واکها، برداشتن حرفی از واژه و ایجاد مضمونی با معنی بازماندهٔ واژه، تشبیهات بدیع با توجه به شکل نگارش کلمات، مضمون‌سازی با عدد هر حرف مطابق ترتیب ابجدی و ... .

اینـــک موارد بـــالا را به دو دسته طبقه‌بندی می‌کنیم. ابتدا بـــه کاربردهای غیرتشبیهی یا مواردی‌که تشبیه اولـــویت نخست را نـــدارد می‌پردازیـــم وسپس کاربـــردهای تشبیهی واکها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مضمون‌پردازی غیر تشبیهی

در این شیوه، شاعران از راههای گوناگونی برای آفرینش هنری بهره برده‌اند که عبارت‌اند از:

۱- فروگشایی: در معنی جدا کردن یا حذف یک حرف یا یک بخش یا بخشهای مختلف کلمه و عبارت و مضمون‌پردازی با آنها، و شامل موارد زیر است:

الف ــ ۱: فرو گشادن یک حرف از کلمه

اگر عنقایی از مرغان ز کوه قاف دین مگذر که چون بی‌قاف شد عنقا، عنا گردد ز نالانی

(همان، ص ۴۱۴)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

تأمّل در این بیت انسان را شگفت‌زده می‌کند. شاعر ابتدا عنقا، شاه مرغان و رمز انسان کامل به حق پیوسته را در نظر آورده و سپس ذهن شاعرانهٔ او به "قاف" محل زندگی سیمرغ، روی آورده و مفهوم مجازی قاف در پیوند با انسان کامل، ایهامی شگفت‌انگیز ایجاد کرده است. سپس ذهن شاعر به حرف قاف در کلمهٔ عنقا توجه کرده و ارتباط قاف در واژهٔ عنقا و کوه قاف با سیمرغ (عنقا) زیبایی بیت و تصویر آن را دو چندان کرده است؛ و هم‌چنان‌که عنقا بدون کوه قاف ناقص و تباه می‌گردد، واژهٔ عنقا نیز بدون قاف "عنا" و رنج و سختی‌ای بیش نیست. مفهوم نهایی بیت نیز روی آوردن به دین و از این طریق به مرتبهٔ عنقایی (انسان کاملی) رسیدن است. نمونه‌ای دیگر:

حق می‌کند ندا که به ما ره دراز نیست از مـال لام بفکن و باقی شناس ما

(همان، ص ۴)

با نگاهی به بیت بالا و ابیات نظیر آن، احساس می‌شود که خاقانی ساعتها روی ساختمان کلمه‌ها اندیشیده و حرفهای مختلف آن را برداشته و با کلمهٔ باقی مانده، مضمونی تازه آفریده است یا شاید نیازی به چنین اندیشیدنی نداشته. دکتر کزّازی برای این‌گونه موارد اصطلاح بازی با واژگان را به کار برده و در توضیح این بیت نوشته است: «در این بیت نمونه‌ای از بازیهای نغز و نوآیین خاقانی را با واژگان می‌توانیم یافت و آشکارا می‌توانیم دید که چگونه پندار نیرومند ژرف‌کاو و دامن‌گستر وی، با دیگرگونی در ریخت واژگان به آفرینش معنیهای شاعرانه می‌پردازد.» (گزارش دشواریهای دیوان خاقانی ص ۹)

خاقانی در این بیت این اندیشهٔ زاهدانه را که برای رسیدن به حق باید ما سوی الله را ترک کرد و با تجرید از علایق به حق پیوست، مطرح کرده است و این مفهوم را از خود کلمهٔ مال و انداختن "لام" آن‌که در لغت معنی زیور و زینت را نیز دارد، پدیدار ساخته است.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

شاعر از مضمون آیهٔ «فقل حسبی الله لااله‌الاّ هو» (۱۲۹/ توبه) مضمون عارفانه و زیبایی آفریده است: قفل بر در آرزوهای تمام‌نشدنی زدن، با این آیه و کلید دندانه‌دار این قفل را سین سبحان قرار دادن.

بر در امیدشان قفل از فقل حسبی‌زده باز دندانهٔ کلیدش سین سبحان آمده

(دیوان خاقانی، ص۹۳)

هم‌چنین به قلب زیبا و طبیعی قفل و فقل توجه شود.

"عاق‌رب" است کو را خوانده است جای "عقرب" کز فرّ اوست مه را برقع ز فرش عبقر

(همان، ص ۱۸۸)

شاعر با انداختن الف از "عاق رب" آن را عقرب خوانده و بدین ترتیب قرابت این دو واژه و القای مفهومی اخلاقی را به خوبی نتیجه گرفته و سپس با پس و پیش خواندن تمام صورت کلمه (قلب) "برقع" پدید آورده و با جابه جایی یک حرف از "عقرب" کلمهٔ "عبقر" در معنی پارچهٔ دیبا یا امری شگفت‌انگیز را که در این‌جا می‌تواند روشنایی روز باشد، پدید آورده است. او با توجه به لقب خودش که افضل‌الدّین است گفته است:

افضل ار این فضولها راند نام افضل بجز اضل منهید

(همان، ص۱۷۳)

الف ـ ۲: مضمون‌آفرینی با افزودن یک واک

سیب صفاهان الف فزود در اول تا خورم آسیب جان گزای صفاهان

(همان، ص۳۵۷)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

سیب اصفهان از گذشته‌های بسیار دور شهرت بسزایی داشته، چنان‌که داستان دزدان کوچ و بلوچ و دفع آنها به وسیلهٔ سیبهای زهرآلود کردهٔ اصفهان "ده خروار سیب سپاهانی" به وسیلهٔ مأموران سلطان محمود در سیاست‌نامه آمده است (جعفر شعار، سیاست‌نامه ص ۷۵)

شاعر هنرمند و اهل زبان، با افزودن یک الف به این کلمه، سیب جان‌فزا را به آسیب جان‌گزا تبدیل کرده است. مثالی دیگر:

گـــر ز پـــی سازکار در الف آز سین سلامت فزودمی چه غمستی

(دیوان خاقانی، ص ۸۵)

شاعر از "آز" و حرص نهایت گله‌مندی را دارد و آرزو می‌کند که: چه می‌شد اگر سین سلامت نفسانی و بی‌نیازی به الف کلمهٔ "آز" می‌چسبید و کلمهٔ "ساز" به معنی ساختن کار، شاید ساختن کار باطن و بی‌نیازی و سلامت ماندن از آز، حاصل می‌شد.

الف ـ ۳: فرو گشادن یک بخش یا سیلاب از کلمه

گوید آن خاقانی دریامثابت خود منم خوانمش خاقانی اما از میان افتاده (قا)

(همان، ص ۱۹)

شاعر در مصرع اول خاقانی را (خودش را) دریامثابت خوانده و در مصرع دوم رقیبان را خاقانی بدون "قا" یعنی "خانی" به معنی حوض و چشمهٔ کوچک خوانده است.

خاقانی در اغلب اشعاری که از شروان یاد کرده است، آن را نکوهیده و از شهر و مردم و فضای درگاه و... شکوه کرده است و آن را "شروان" خوانده است، اما در یکی از قصایدش دگرگونه اندیشیده و کوشیده است باتوجه به ساختار کلمهٔ شروان مثالهای متنوعی بیاورد و نشان دهد که "شر" در واژهٔ شروان بدون مسمّی و حتی دارای خاصیت مثبت است و واژه‌ها و نامهای دیگر نیز هستند که ساختمان واژه با مسمّای آن سازگار نیست:

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

عیب شروان مکن که خاقانی — هست از آن شهر کابتداش شر است
عیب شهری چرا کنی به دو حرف — کاول شرع و آخر بشر است؟
جرم خورشید را چه جرم بدانک — شرق و غرب ابتدا شراست و غراست
چه کنی نقص مشک کاشغری — که غر آخر حروف کاشغر است
گر چه هست اول بدخشان بد — نه نتیجه‌ش نکوترین گهر است؟
نه تب اول حروف تبریز است — لیک صحت رسان هر بشر است؟

(همان، ص ۶۸)

الف ـ ۴: فرو گشادن یک جمله از هم

جملهٔ زیبای قرآن کریم در نفی شرک و اثبات حق و توحید یعنی "لااله‌الاّالله" دست‌مایهٔ پروردن ابیات و مفاهیم زیبایی با جدا کردن کلمه‌ها شده، که در شعر سنایی و سپس شاید به تبع او در شعر خاقانی به وفور می‌بینیم:

نیابی خار و خاشاکی در این ره چون به فراشی

ک

م

ر

ب

س

ت

و

ب

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

1

ه

ف

ر

ق

ا

سـ

تـ

ا

د

د

ر

حـ

ر

ف

شـ

هـ

ا

د

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

ت

لا

چـــو لا از حد انسـانی فکنـدت در ره حیـــرت

پـــ

س از نـــــور

الوهیّـت بـــــه

الله آی از الاّ

(دیوان سنایی، ص۵۲)

و خاقانی سروده است:

ای پنج نـوبـــه کـــــوفـته در دار ملـک لا — لا در چهار بالش وحدت کشد تو را

جولانگه تـــو زان ســـوی الاّست گـرکنی — هژده هـزار عالم از این سـوی لا رها

از عشق سازبدرقـــه، پس هم به نور عشق — از تـیـه لا بـــه مـنـزل الاالله انـدر آ

دروازهٔ سرای ازل دان ســه حـــرف عشـق — دندانهٔ کلیـد ابـد دان دو حـــرف لا

بی‌حـاجبی لا به در دیـــن مرو کـه هسـت — دین گنج‌خانهٔ حق و لا شکـــل اژدها

(دیوان خاقانی، ص ۳)

در تمام ابیات بالا باید از لا که تعبیر به هژده هزار عالم، تیه، کلید ابد و حاجب شده است، گذشت و به الله و توحید رسید.

خاقانی هم‌چنین سروده است:

از لا رسی به‌صدرشهادت که عقل را — از لا و هـوست مرکب لاهـوت زیر ران

لا زان شـد اژدهای دو سر تا فروخورد — هر رشک و شک که در ره الاّ شودعیان

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

(همان، ص ۳۰)

در تمام ابیات زیبای بالا با توجه به "لااله" در آیهٔ شریفه، طی مراتب مقدماتی از قبیل نفی هر گونه شرک و حجاب و مانع که طبیعتاً دشواریهای فراوانی نیز به همراه دارد، لازم شمرده شده، تا رسیدن به "الاّالله" و مرتبهٔ اثبات و توحید میسر گردد[1].

ب ـ ۱: توجه به ساختمان واژه‌ها و شکل نگارش آنها

نظامی در ابیات زیر که در مدح محمدبن‌ایلدگز معروف به محمد جهان پهلوان سروده است با توجه به دو میم داشتن نام ممدوح (محمد) و یک میـــم داشتن (عالم)، چقدر مضمون زیبایی آفریده است:

زهـــی نامش که کرد از چشمهٔ نوش — دو عالم را دو میمش حلقـه در گوش

ز رشـک نـام او عـــالـم دو نیـم است — که عالم را یکی، او را دو (میـــم) است

بـــه تـرکـان قلـــم بـی‌نـسخ تـاراج — یکی میمش کمـــر بخشد یکی تـاج

(خسروشیرین، ص۱۹)

برای درک زیبایی ابیات، به گردی میم، گردی عالم، کمربند و دهانهٔ تاج نیز توجه فرمایید.

خاقانی باتوجه به حروفی که واژه‌ای را پدید آورده‌اند مضامین جالبی را خلق کرده است؛ مانند ابیات زیر:

بدان‌که چون الف وصل باشم ازخواری — کـه نام نبـود و بیـنند خلـق دیدارم

(دیوان خاقانی، ص۲۸۷)

شاعر در بیت بالا خود را چون اسمی بی‌مسمّی خوانده و به الف وصل تشبیه کرده که خوانده نمی‌شود اما هنگام نوشتن آن را می‌نویسند.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

در بیت زیر خاقانی با عنایت به ساختمان کلمه «کن» در قرآن کریم «... فان یقول له کن، فیکون» (یس/۸۲ ومریم/۳۵) طاها و یاسین را که هم نام دو سوره از قرآن کریم هستند و هم نام مبارک پیامبر (ص) و تعبیر فلسفی عقل کل، که هم نخستین آفریده و هم واسطهٔ آفرینش کلیهٔ موجودات است و هم یکی از نامهای پیامبر (ص) و با توجه به حدیث قُدسی "لولاک لما خلقت الافلاک" چنین تعبیری را خلق کرده است:

قابلهٔ کاف و نون، طاها و یاسین که هست عاقلـهٔ کـاف و لام طفـل دبستان او

(دیوان خاقانی، ص ۳۶۳ و صفحه‌های ۳۷۲ و ۳۸۵)

در بیت زیر نیز، شاعر با تجزیهٔ کلمه‌های بت، رمز شرک و کفر و "قل"، رمز قرآن کریم و کتاب هدایت و "کن"، رمز عالم هستی در نعت پیامبر اسلام (ص) سروده است:

آن بـا و تا شکن که به تعریـف او گرفت هم قاف و لام رونق و هم کاف و نون بها

(همان، ص ۴)

خواجوی کرمانی نیز با "کن" به معنی عالم آفرینش و ایجاد، ایهام تناسب میان کاف و نون در معنی حروف "کن" و قاف تا قاف در معنی تمامی عالم هستی، مضمون زیبایی را آفریده است:

کاف و نون جزوی از اوراق کتب خانهٔ ماست

ق

ا

ف

ت

ا

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

ق

ا

ف

ج

ه

ا

ن

ح

ر

ف

ی

ا

ز

ا

ف

س

ا

ز

ۀ

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

م

/

س

ت

(دیوان خواجو، ص ۹۳)

ب ـ ۲: مضمون‌سازی با توجه به شکل واکها

به صورت دو حرف کژ آمد دل اما — ز دل راستگوتر گوایی نیابی

الف راست صورت صواب است لکن — اگر کژ شود هم خطایی نیابی

نه نون والقلم هم کژ است اول، آن‌گه — به جز راستش مقتدایی نیابی

(دیوان خاقانی، ص ۴۱۶)

خاقانی در این سه بیت می‌خواهد نتیجه بگیرد که همیشه شکل حروف نمی‌تواند ملاک قضاوت قرار گیرد؛ هم‌چنان‌که هر دو حرف سازندهٔ "دل" کژ است اما راستگوتر از دل گواهی وجود ندارد و درست این است که الف راست باشد اما اگر کسی کژ هم بنویسد، خطایی صورت نمی‌گیرد. (ظاهراً الف کوفی کژ بوده است) هم‌چنین به ظاهر نون و القلم کژ است اما مقتدا و راهنمای راستی است؛ مثالی دیگر:

آری همه کژ ز راست بگریزد — چون دال که با الف نپیوندد

(همان، ص ۸۶۵)

در این بیت به شکل کژ واکها هنگام نگارش توجه کرده و پیوند نداشتن کژ نهادان با خودش را مانند نپیوستن واک "د" به "الف" دانسته است.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

ب ـ ۳: مضمون‌سازی با توجه به شکل واژه‌ها

زر دو حرف افتاد و باهم هر دو را پیوند نی پس کجا پیوند سازد با دل یکتای من

(همان، ص۳۲۲)

در این بیت با توجه به خاصیت طبیعی حروف "ز" و "ر" که به یکدیگر نمی‌چسبند، این مضمون را ساخته که وقتی دو حرف "ز" و "ر" خودشان با هم پیوند ندارند، چگونه می‌توانند با دل یکتا و باصفای من پیوند داشته باشند.

نظامی شاعر توانای قرن ششم از شکل نگارش زر و نپیوستن حروفش به یکدیگر این نتیجه را گرفته که اگر انسان نیز به زر علاقه‌مند باشد دلش و حتی وجودش مانند حروف زر پراکنده می‌شود:

زر دوحرف است هردو بی‌پیوند زین پراکنده چند لافی چند

دل مکن چون زمین زر آکنده تا نگردی چو زر پراکنده

(هفت‌پیکر، ص ۴۳)

نظامی سودمندی درویشی و ناداری و بی‌التفاتی به مال و ثروت را، با استفاده‌ای هنرمندانه از ساختمان واژه "درمنه" ـ گیاه دارویی تلخ ـ و برداشت ایهام گونهٔ درم نه، به زیبایی آورده است:

چون درمنه درم ندارد هیچ باد در پیکرش نیارد پیچ

(همان، ص ۴۲)

ب ـ ۴: نمادسازی با حروف

گاهی شاعران از حروف به عنوان نماد استفاده کرده‌اند؛ چنان‌که از الف به عنوان نماد توحید و راستی و راست‌قامتی استفاده کرده‌اند. خاقانی در بیتی نیزه را به حرف الف تشبیه کرده است و در واقع در ترکیب "الفِ سوزنی" تشبیه و نمادی دیگر نهفته است.

چون الفِ سوزنی نیزه و بنیاد کفر چون بن سوزن به قهرکرده خراب و یباب

(دیوان خاقانی، ص۴۴)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

در رباعی زیبایی که از قول عزالدین کاشانی در نفحات‌الانس نقل شده، الف رمز توحید و حقیقت به حساب آمده است:

دل گفت مـــرا علم لدّنی هوس است — تعلیمم کن گرت بـدین دسترس است
گفتم که الف گفـــت دگر، گفتم هیـچ — درخانه اگرکس است یک حرف بس است

(نفحات‌الانس، ص ۴۸۲)

و خواجهٔ شیراز سروده است:

نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار — چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

(دیوان حافظ، ص ۲۶۳)

و خاقانی در نامه‌هایش آورده: "قامتی چون الفِ سوزنی غمزه زن" (محمد روشن ص ۹۰)

باید توجه داشت که حرف الف به حساب ابجد برابر با عدد ۱ است که بیانگر واحد و "احد" است.

شیخ محمود شبستری معتقد است که خداوند (احد) در میم کلمهٔ احمد تجلی و ظهور یافته است و میم اضافی احمد نسبت به احد، نشان از وجههٔ ظهوری احدیّت است و در بیت بعد غرق بودن جهان در حرف میم، علاوه بر جنبهٔ ظهوری عالم به تناسب میانِ گردی میم و جهان نیز نظر دارد. یادآوری می‌شود که در عرفان، حقیقت محمدی، رمز حضرت احدیّت است.[۲]

احـد در میـم احمـد گشتـه ظاهـر — در ایـن دور اول آمـد عیـن آخـر
ز احمد تا احد یک میم فـــرق است — جهانی اندرین یک میم غرق است

(شبستری، ص ۱۱)

ب ــ ۵: مضمون‌سازی با شمارهٔ حروف به حساب ابجد

هر کدام از حروف به ترتیب قدیم که آن را ابجدی یا حروف جمّل می‌گویند، معادل یک عدد به حساب می‌آمدند و به ترتیب از یک تا ۱۰ یکی یکی اضافه می‌شد، از ۱۰ تا ۱۰۰ ده‌تایی بالا می‌رفت و از صد تا هزار، صدتایی. بدین ترتیب "الف" از ابجد معادل ۱ "ب" معادل ۲ "ج" معادل ۳ بود و در آخرین کلمه: ضظغ، "ض" معادل ۸۰۰ و "ظ" معادل ۹۰۰ و "غ" معادل ۱۰۰۰ بوده است. شاعران گاهی با عنایت به این موضوع مضامین جالبی ساخته‌اند؛ هر چند ممکن است امروزه برای

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

ما بسیاری از آنها، حالت معما داشته باشد و چندان جالب به نظر نیاید، امّا در روزگاران گذشته رواج زیادی داشته و اغلب شعرشناسان و شعرخوانان با آنها آشنایی داشته‌اند. چنان‌که در عنوان نمادسازی دیدیم حرف الف معادل ۱ و لذا سمبل واحد و "احد" قرار گرفته است.

در بیت زیر:

در سنهٔ ثا نون الف به حضرت موصل راندم ثا نون الف سزای صفاهان

(دیوان خاقانی، ص ۳۵۵)

شاعر در مصرع اول بیت بالا به معادل عددی حروف نظر دارد که الف=۱، حرف ن=۵۰ و حرف ث=۵۰۰ است و سال ۵۵۱ را در نظر دارد. اما در مصرع دوم حروف ثا نون الف مساوی "ثنا" و به معنی ستایش است. یعنی من به سال ۵۵۱ در درگاه جمال‌الدین موصلی – که اصلاً اصفهانی است- به ستایش اصفهان پرداختم. مثالی دیگر:

عـدل تـو شین را ز را کرد جدا چـون بدیـد کـآلت رای است را صـورت شَین است شیـن

ملـک چو تیغ تو یافت یک دو شـود کـار او شصت به سیصد رسید چون سه نقط یافت سین

(همان، ص ۳۵۵)

شاعر در مصرع اول، دو حرف "ش" و "ر" را که بر روی هم پدید آورندهٔ "شر" هستند، آورده و گفته است که دادگریِ ممدوح این دو حرف را از هم گشوده است، چون حـرف "ر" آلت رای و انـدیشه است و حرف شین با کلمه‌ی شَین به معنای نقصان، صورتی یکسان دارنـد. اما در بیت دوم شاعر با بهره‌وری شاعرانه از معادل عددی حرف "س" که مساوی عدد ۶۰ و "ش" که معادل ۳۰۰ است می‌گوید: سین با سه نقطه از مرتبهٔ ۶۰ به سیصد می‌رسد؛ پس بدیهی است که چون تیغ تو- با نقطه‌های بیشتر ـ نصیب مملکت شود کارها از یک به دو می‌رسد و بهبود می‌یابد.

بیتی دیگر:

چه سود ار لوح فرمان را ز نقطه اولین حرفی که از روی گران باری ز ابجد حرف پایانی

(همان، ص ۴۱۲)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

این‌که بنابر فرمان الهی چون الف راست‌قامتی چه فایده دارد؛ زیرا که از گرانی بار گناهان مانند حرف غ هستی، به دو معنی: الف: هزار بار گناه بر دوش داری ب: مانند شکل حرف "غ" کمرت از گران‌باری گناهان خمیده است!

خاقانی در مرثیهٔ شیخ‌الاسلام ابومنصور عمده‌الدین حفده چنین سروده است:

او بود نقطه، حرف الف دال و میم را — کآمد چهل صباح و چهار اصل و یک قیام

زو دید آن نماز که قائم نمود الف — راکع بماند دال و تشهد نمود لام

(همان، ص ۳۰۱)

منظور از الف میم دال کلمهٔ آدم است. مطابق حروف ابجد الف = یک و حرف دال = چهار و میم = چهل می‌باشد. خاقانی از حرف الف، قیام و برخاستن آدم را اراده و از دال، چهار عنصری که در وجود او به کار گرفته شده و از میم، چهل روز آفرینش آدم را اراده کرده است. ابومنصور حفده را نقطه و اصل آدم و امور مذکور در مصرع دوم دانسته است، و سپس با عنایت به شکل هر کدام از حروف، حالت یک نمازگزار را ترسیم کرده است: "الف" (ا): نشان‌دهندهٔ حالت قیام؛ "دال"(د): نشان‌دهندهٔ حالت رکوع و "لام" (ل): نشان‌دهندهٔ حالت تشهد.

خاقانی مفهوم بیت نخست را در جای دیگری نیز آورده است، با جابه‌جایی چهل، چهار و یک:

به یک قیام و چهار اصل و چل صباح که‌هست

ا

ز

ا

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

1

ی

ن

س

ه

م

ع

ز

ی

ا

ر

ف

د

ا

ل

م

ی

م

ب

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

ی

ا

ء

ر

ا

ب

(همان، ص ۵۱)

ب ـ ۶: مضمون‌پردازی با شمارهٔ واکهای واژه‌ها

دروازهٔ سرای ازل دان سه حرف عشق دندانهٔ کلید ابد دان دو حرف لا

(همان، ص۳)

خاقانی سه حرف واژهٔ عشق را راهی برای رسیدن به ازلیت و دو حرف لا در "لااله‌الاّالله" را دندانهٔ گشایش قفل ابدیت شمرده است. و در بیت زیر:

هشت حرف است از قزل تا ارسلان چون بنگری

هف

ت گردون را در

آن هر هشت

مضمر ساختند

(همان، ص ۱۱۳)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

خاقانی هفت آسمان را در هشت حرف نام قزل ارسلان مضمر دانسته است و بدین ترتیب رفعت مرتبهٔ او را بیان داشته است. مرحوم دکتر سجّادی نوشته است: «ظاهراً از دو الف ارسلان یکی را به حساب آورده که هشت حرف گرفته.» (فرهنگ لغات و ... ص ۱۶۱۱)

زیر سه حرف جاهش گنجی است وحرف آخر صفری است در میانش هفت آسمان محضر
یک دوشد ازسه حرفش چار اصل و پنج شعبه شش روز و هفت خسرو، نه قصر و هشت منظر

(دیوان خاقانی، ص ۱۸۹)

این ابیات در مدح سیف‌الدین ارسلان (مظفر) سروده است و علاوه بر سه حرف کلمهٔ "جاه" به سه حرف "سیف" نیز نظر دارد. حرف "ه" در آخر جاه را صفری شمرده که هفت آسمان در میان آن جای دارد و دو حرف دیگر را در بردارندهٔ چهار عنصر، پنج حس، شش روز آفرینش عالم، هفت سیّاره، هشت بهشت و نُه آسمان شمرده است. برشمردن اعداد یک تا نُه در یک بیت نیز واقعاً جالب است.

او در پاسخ افضل‌الدین ساوی از فیلسوفان عصر خویش بیت زیر را گفته است و هشت حرف نام او را هفت تعویذ و بازوبند برای رضوان دانسته است:

هر هشت حرف (افضل‌ساوی) است نزد من حرزی که هفت هیکل رضوان شناسمش

(همان، ص ۸۹۵)

نظامی شیرین‌سخن نیز با توجه به پنج حرف نام سه قهرمان اصلی داستان خسرو و شیرین به زیبایی گفته است:

ز پرویز و ز شیرین و ز فرهاد همه در حرف پنجیم ای پریزاد
چرا چون نام هر یک پنج حرف است به بردن پنجهٔ خسرو شگرف است؟

(خسروشیرین، ص۲۴۴)

خاقانی در حق رئیس ارجیش که پس از دیدار، به او صله و نعمت فراوانی بخشیده بود گوید:

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

نـزد رئیـس چـون الـف کـوفـی آمـدم چون دال سرفکنـده خجـل‌سـار می‌روم
بر عین غین گشته ز خجلت ز عین مال چون حرف غین بین که گران‌بار می‌روم

(دیوان خاقانی، ص ۸۹۸)

شاعر مانند الف کوفی تعظیم‌کنان نزد رئیس ارجیش آمده (الف کوفی را کج دانسته‌اند ـ فرهنگ لغات خاقانی) و به شرمساری نعمت فراوانی که بدو بخشیده‌اند مانند دال خمیده و سر به زیر باز می‌گردد. در بیت دوم خود را حرف عینی می‌بیند که از بخشش مال فراوان به غین تبدیل شده و به صورت غین گران‌بار می‌رود. در مصرع دوم ایهام وجود دارد، گران‌باری حرف غین به داشتن یک نقطه اضافی است و گران‌باری شاعر از غین عدد هزار و مال فراوان است.

ج: مضمون‌پردازی به صورت حسن‌تعلیل

شاعران گاهی برای سخنان خود به شیوه‌های نیکو و زیبا دلیل آورده‌اند یا دلیل‌تراشی کرده‌اند. گاهی این آرایه در حوزهٔ واکها روی داده که نمونه‌هایی از آن بررسی می‌گردد. در شعر زیر خاقانی منوچهر شروان‌شاه را ستوده است:

نـام او چون اسم اعظم تـاج اسما دان از آنک حـلقـهٔ میم منوچهـر است طـوق اصفیا
گـر سما چـون میـم نام او نبودی از نخست همچو نـون درهم شکستی تاکنون سقف سما

(همان، ص ۲۰)

شاعر صنعت حسن‌تعلیل را با زیبایی و غلو به تشبیه آمیخته و گفته است: حلقهٔ میم منوچهر طوق گردن برگزیدگان الهی است، لذا تاج همهٔ نامهاست و اگر آسمان مانند میم نام او مدوّر نبود تاکنون مانند حرف نون در هم شکسته بود. او هم‌چنین سروده است:

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

گرنه شب از عین عید ساخت طلسمی بخم عین منعل چراست در خط مغرب رقم

(همان، ص ۲۶۱)

شاعر عین کلمهٔ عید را به هلال عید فطر تشبیه کرده و سپس گفته است اگر چنین نیست و شب از عین عید طلسم خمیده‌ای نساخته است، این رقم و نوشته‌ای که در سمت مغرب به صورت عین نعلی‌شکل هویداست (هلال ماه) از چیست؟ «در اصطلاح خطاطین عین نعلی، عین اول را گویند.» (فرهنگ لغات و تعبیرات ص ۱۱۰۶)

خاقانی در شعر زیر دلیل نام‌گذاری ممدوح به اخستان را چنین بیان کرده است:

نام شه زان اول‌وآخر الف کردند و نون یعنـــی اندر ملک طغرا برنتـــابد بیش از این

(دیوان خاقانی، ص ۳۳۹)

یعنی نام او خود طغرای پادشاهی است و دیگر نیازی به طغرا ندارد.

جمال‌الدین عبدالرزاق در ابیاتی زیبا تشبیه و تعلیل را چنین به هم آمیخته است:

زهـی دهان تو میم و ز لعـــل حلقهٔ میم زهی دو زلف تو جیـــم و ز مشک نقطهٔ جیم

ز مهر میم تو و ز جـور جیـــم تو هستم فراخ حوصله چون جیم و تنگدل چون میم

چوجیم یکدله‌ام با تو پس چـــــرا با من ز میم بسـته دهـانـــی همـی‌کنـی تـعلیم؟

(دیوان جمال‌الدین، ص ۲۳۵)

و انوری با استفاده از آرایهٔ حسن‌تعلیل ابیات زیر را سروده است:

ز غـــایـت کرم اندر کلام تـــو نی نیست در اعتـــقاد تو ضـد است نون مگر یی را

به هیـــچ لفظ تو نون هم به یی نپیوندد وجـــود نیست مگر در ضمـــیر تـونـی را

(دیوان انوری، ص ۲)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

انوری به ممدوح می‌گوید: تو چنان بخشنده‌ای که "نی = نه" در کلام تو جایی ندارد و گویی تو معتقدی که "ن" و "ی" با هم متضادند. سپس پا فراتر می‌نهد و می‌گوید هیچ‌گاه در سخنان تو "ن" و "ی" به هم نمی‌پیوندد و گویی در ضمیر تو هیچ‌گاه "نی" به وجود نیامده است.

د: مضمون‌پردازی با حروف الفبا

مرا بر لوح خاموشی الف ب ت نوشت اول
که
دردسر زبان
است و ز
خاموشی است
درمانش

(دیوان خاقانی، ص ۲۰۹)

یعنی نخستین الفبای خاموشی را به من آموخت. فرق این مورد با موارد پیشین این است که از این حروف، واژهٔ خاصی مورد نظر شاعر نیست.

و: مضمون‌آفرینی با گزینش واکهایی از لابه‌لای کلمه

خاقانی در اشعار شکرانه‌ای که برای لیالواشیر فرمانروای در بند، به پاس صلهٔ هنگفتی که به خاطر قصیدهٔ "رخسار صبح" فرستاده بود، سه حرف "لوا" را از لابه‌لای نام لیالواشیر برگزیده و بیت زیبای زیر را پرداخته است:

چون سه حرف میانهٔ نامت از قبولم "لوا" فرستادی

(همان، ص ۹۲۳)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

مضمون‌پردازی تشبیهی

چنان‌که در گفتار پیش ملاحظه شد خاقانی مضامین بسیار بدیعی را با استفاده از واکهای فرو گشاده از کلمات یا فرو گشادن واکهای کلمه‌ها و عبارات پدید آورده است که آنها را مورد بررسی قرار دادیم. علاوه بر آنها این شاعر حکیم و زبان‌دان با فرو گشادن واکها، ساختمان و شکل آنها و ... تشبیهات بسیار بدیع و زیبایی را آفریده است. خاقانی در آفرینش این تشبیهات از هیچ علامت نگارشی غافل نمانده است. از نقطه و همزه و الف گرفته تا علامت جزم و مد و شکل واکها. برای این‌که این بررسی نظم و نسقی داشته باشد، نشانه‌ها و حروف را به ترتیب الفبا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تشبیه با "جزم نحویان (ـْ)"

دائرهٔ افلاک را بالای صحن بادیه کم ز جزم نحویان بر حرف قرآن دیده‌اند

(همان، ص ۹۱)

شاعر در بیت بالا و بیت زیر آسمان را به علامت جزم نحویان تشبیه کرده و آن را کوچک و بی‌مقدار جلوه داده است.

از خط کاتب قدر بر سر حـرف حکـم تو چرخ چو جـــزم نحویان حلقه شد از مدوّری

(همان، ص۴۲۴)

تشبیه با "نقطه، مد، همزه"

نسخهٔ رخ همه عجم و نقط است از خط اشک زو معمّای غـم مـن بـه فکـر بـگشایید

(همان، ص ۱۶۱)

رقوم اشک اگر بینی به عجم و نقطه بر رویم رموز غم ز هرحرفی به مدّ و همزه برخوانی

(همان، ص ۴۱۱)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

شاعر در دو بیت بالا، گریه و غم و اندوه را به زیبایی تصویر کرده است. اشک روان بر چهره را به نوشته‌هایی همراه با اعراب و نقطه‌گذاری ترسیم کرده که اسرار غم و اندوه را به کمک مدّ و همزهٔ چهره به نمایش گذاشته‌اند.

تشبیه با "نقطه"

تـا بقـا شـد کبوتـــر حرمـــش نقطهٔ شـــین عـــــرش دانـــهٔ اوست

(همان، ص ۸۴۰)

بیت بالا در وصف کاخ صفوةالدین بانوی منوچهر شروان شاه است.

کوه رحمت حرمتی دارد که پیش قدر او کوه قاف و نقطهٔ فا هر دو یکسان دیده‌اند

(همان، ص ۹۳)

شاعر از احترام و اعتباری که برای جبل‌الرحمة قائل است، کوه قاف را با همهٔ عظمتش در بـرابـــر آن مانند نقطهٔ حرف فا به حساب آورده است و ایهام تناسبی زیبا میان قاف و فا ایجاد کرده است.

خواجهٔ شیراز نیز در بیت زیر خال سیاه معشوق در میان زلفها را به نقطهٔ حرف جیم مانند کرده است:

در خم زلف تو آن خال سیه دانی چیست؟ نقطهٔ دوده که در حلقهٔ جیم افتاده است

(دیوان حافظ، ص ۱۱۴)

در تاریخ بیهقی، قصیده‌ای از ابوحنیفهٔ اسکافی نقل شده که یک بیت آن چنین است:

به تمامی ز عـدو پاک نباید شد از آنـک وقت باشد که نکو ماند نقطه به دو نیـم

(بیهقی، خطیب رهبر، ج ۲، ص ۵۲۱)

دکتر خطیب رهبر دربارهٔ این بیت فقط از حواشی دکتر فیاض نقل کرده است که: «معنی بیت نامفهوم است.» (تاریخ بیهقی، ج ۲ ص ۶۱۰) اما ظاهراً باید معنی بیت چنین باشد: به طور

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

کامل نباید انسان بدون دشمن باشد، بلکه نقطه و اثری از دشمن مفید و نیکو است؛ چنان‌که حتی گاهی نقطهٔ دو نیم شده نیز نیکو می‌نماید. منظور از نقطهٔ دو نیم شده لبان معشوق است و در ادبیات فارسی به فراوانی لب و دهان را به نقطه تشبیه کرده‌اند.

تشبیه با "همزه" و "الف"

از آتش همزه مسمار و الف داری شده بـــر چنین داری ز عصمت کاف‌ها خوان آمده

(دیوان خاقانی، ص ۳۷۰)

خاقـــانی با ذوق هنری و آفرینشگر خـــویش، از آیهٔ ۱۱۶ سورهٔ مائده مضمون و تشبیه بسیار زیبـــایی ساخته است: «و اذ قال‌الله یا عیسی‌بن‌مریم أأنت قلت للناس اتخذونی و امّی آلهیـــن من دون‌الله ...»

حضرت عیسی از طرف خداوند مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد که آیا تو به مردم گفتی که مرا و مادرم را اله به حساب بیاورید؟ خاقانی می‌گوید در این خطاب الف در حکم دار و همزه مانند میخ آن دار شده و عیسی بر این دار برای اثبات پاکی و بی‌گناهی شروع به خواندن سورهٔ مریم کرده است. از کاف، ها منظور حروف نخستین این سوره است که با "کهیعص" آغاز می‌شود.

تشبیه با "الف"

ز هرچه زیب جهان است و هرکه اهل جهان مرا چو صفر تهی دار و چون الف تنها

(دیوان خاقانی، ص ۱۰)

شاعر با یک لف و نشر می‌خواهد که از فریبندگیهای جهان، چون صفر تهی و مانند الف که به قول قدما هیچ ندارد، تنها باشد.

چنـــان استـــادم پیـــش و پـــس طعـــن که استـــاده است الف‌های اطعنـــا

(همان، ص ۲۵)

مینورسکی که گویا به تشبیهات دیگر خاقانی توجه کافی نداشته، بیت بالا را خیالی‌ترین تشبیه خاقانی دانسته است.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

عطار: تـا درد تـــرا خریـــد عطـــار قـد الفـش بسـان نـــون گشـت

(دیوان عطار، ص ۱۰۰)

حافظ: نیست بر لوح دلم چون الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

(دیوان حافظ، ص ۲۶۳)

تشبیه با "الف، سین، دال"

چون در اسد رسیدی چون سنبله سنان‌کش از ضربت الف سان کردی چوسین و دالش

(دیوان خاقانی، ص ۲۲۸)

شاعر نیزهٔ منوچهر شروان‌شاه را در برابر دشمن به سنانهای سنبله تشبیه کرده کـه بـه بـرج اسد حمله‌ور شود و قامت او را مانند سین و دال پاره پاره و خمیده نماید.

تشبیه با "الف" و "دال"

نزد رئیس چون الف کوفی آمدم چون دال سرفکنده خجل سار می‌روم

(همان، ص ۸۹۸)

الف کوفی را کنایه از هر چیز خمیده و کج دانسته‌اند (فرهنگ لغات به نقل از ل. ن ـ غیاث، برهان). در این صورت یعنی تعظیم‌کنان آمدم و از خجالت سرافکنده و شرمسار چون دال می‌روم.

تشبیه با "الف" و "غین"

انوری گوید:

چون حرف آخرست ز ابجد گه سخن وز راستی چو حرف نخستین ابجد است

(دیوان انوری، ص ۵۵)

انوری در مدح ممدوح او را به حرف آخر ابجد یعنی غین تشبیه کرده است و غین برابر هزار است و هزار بلبل است. می‌گوید: ممدوح چون بلبل سخن می‌گوید و از راست‌قامتی و راست‌گویی مانند الف "ا" است.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

تشبیه با "جیم"

در شعر خاقانی تشبیه به جیم نیافتم؛ با آن‌که شاید در شعر فارسی تشبیه زلف به جیم از همهٔ حروف بیشتر باشد و این نوع تشبیه از پدر شعر فارسی رودکی آغاز می‌گردد.[۳]

زلف تو را جیم که کرد؟ آن که او — خال تو را نقطهٔ آن جیم کرد

وان دهن تنگ تو گویی کسی — دانگکی نار به دو نیم کرد

(گزیده اشعار، دکتر شعار ص ۱۴۰)

تشبیه با "دال"

دجله ز زلفش مشکدم، زلفش چو دال دجله خم

نازک

تنش چون

دجله هم،

کش‌کش

خرامان داشته

(دیوان خاقانی، ص ۴۵۳)

تشبیه با "ر" و "س"

از سین سحر نکتهٔ بکرآفرین منم — چون حق تعالی از «ری» برّ رحمت آفرید

(همان، ص ۷۹۷)

خاقانی آفرینشهای هنری خود را از سین سحر دانسته و آن را به آفرینش رحمت الهی از "ر" برّ تشبیه کرده است.

تشبیه با "س"

بر در امیدشان قفل از فقل حسبی زده — باز دندانهٔ کلیدش سین سبحان آمده

(همان، ص ۹۳)

هنر به درد ز دندان تیز سین سخا — دلم درید و بخایید گوشهٔ جگرم

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

(همان، ص ۹۰۴)

شاعر در بیت نخست دندانه‌های حرف سین را به دندانه‌های کلید و در بیت دوم به دندان تشبیه کرده است.

تشبیه با "سین" و "عین"

ماه نـو در سایـهٔ ابـر کبوترفـام، راست چون سحای نامه یا چون عین عنوان دیده‌اند

(همان، ص ۹۲)

در این بیت شاعر ماه نو را که در سایهٔ ابر کبود قرار دارد به مهر هلالی نامه یا حرف عـین در عنوان نامه مانند کرده است.

تشبیه با "سین" و "میم"

زمزم آنک چون دهانی آب حیوان در گلو وان دهان را میم لب چون سین دندان آمده

(همان، ص ۳۷۰)

یکی از زیباترین تشبیهات خاقانی با واکها، همین بیت است. شاعر در ابتدا دهانهٔ حلقوی چاه را به گردی حرف میم تشبیه کرده است و با افزودن لب به آن تشبیهی زیبا نیز ایجاد نموده است. سپس چون دهانهٔ چاه به وسیلهٔ طنابهایی که از چاه آب می‌کشیده‌اند یا ریزش آب از کناره‌ها به درون چاه بریده بریده شده است، به زیبایی آن را به سین دندان ـ که خود تشبیه دیگری است ـ مانند کرده است. بیتی دیگر:

ببستم حرص را چشم و شکستم آز را دندان چومیم اندرخط کاتب، چو سین درحرف دیوانی

(همان، ص ۴۱۱)

شاعر همراه با استعاره و لف و نشری زیبا چشم حرص را به میم و دندان آز را به سین تشبیه کرده است که هر کدام از آنها استعاره‌ای است زیبا. میم در خط کاتبان کور است و سین شکسته.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

دکتر سجادی نوشته است: «سین در حروف خط دیوانی شکسته نوشته می‌شود.» (فـرهنگ لغات، ج ۲ ، ص ۱۵۰۶)

تشبیه با "صاد"

در اشعار خاقانی تشبیه با حرف صاد ندیدم؛ اما مسعود سعد بیت زیبایی دارد که چشم را به صاد تشبیه کرده است:

بر صاد فتاده‌ست مگر نقطهٔ جیمت با نقطه شده صادت، بی‌نقطه شده جیم

(دیوان مسعود، ص ۶۴۵)

منظور از صاد چشم و منظور از جیم زلف است و نقطهٔ جیم که غالباً خال است، در این بیت تبدیل به مردمک چشم شده است. در نتیجه صاد با نقطه شده است و جیم بدون نقطه!

تشبیه با حرف "ع"

خاقانی در توصیف اسب ممدوحش منوچهر شروان شاه سروده است:

عید افسر است بـر سـر اوقـات بهـــر آنـک شبهی است عین عید ز نعل تکاورش

چون عین‌عید نعلش وز نقش گوش و چشم هـاء مـشقـق آمـد و مـیـم مـدوّرش

(دیوان خاقانی، ص ۲۲۵)

او نعل اسب منوچهر را به هلال عید فطر و سپس گوش آن را به هاء مشقق یا هاء دوچشم تشبیه نموده است و چشمان گرد آن را به حرف میم مانند کرده است.

تشبیه با "قاف"

ساحری از قاف تا به قاف تو داری مشرق و مغرب ترا دو نقطهٔ قاف است

(همان، ص۸۷)

خاقانی خود را شاعر ساحر تمام جهان می‌داند و مشرق و مغرب را دو نقطهٔ حرف قاف می‌شمارد که در تصرف قلم اوست. (قاف در مصرع اول با دوم جناس تام دارد.)

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

دوستانم قطب و شمس و نجم و بوالبدر و شهاب

رفته و من چون سما در گوشه تنها مانده‌ام

همرهند این پنج‌تن چون کاف،ها، یا، عین و صاد

یک تنه چون قاف والقرآن من اینجا مانده‌ام

(همان، ص ۹۰۶)

شاعـــر همراه بودن پنج نفر از دوستانش را، به همراه بودن پنج حرف "کهیعص" در آغاز سورهٔ شریفهٔ "مریم" و تنهایی خویش را به تنها بودن حرف "ق" در آغاز سورهٔ مبارکهٔ "قاف" تشبیه کرده است.

تشبیه با "میم"

قومی مطوقند به معنی چو حرف قوم مولع به نقش سیم و مزوّر چو قلب کان

(همان، ص ۳۱۳)

دکتر سجادی نوشته‌اند: (حرف قوم یک حرف کلمهٔ "قوم" و مقصود میم است که در شعر خاقانی از آن به مطوق یعنی طوق‌دار تعبیر شده است، زیرا حرف میم را میم مطوق گفته‌اند.) (فرهنگ لغات و ... ج ۱ ص ۳۵۶)

قلب واژهٔ کان، "ناک" است به معنی مغشوش و ناخالص.

چون هر دو میم مردم در خط کاتبان کور است هر دو مردمهٔ چشم مردمی

(دیوان خاقانی، ص ۹۲۹)

در بیت بالا مردمه همان مردمک است. و در بیت زیر میم کاتبان، کور نوشته می‌شود.

وز در ناوک اجل صورت بخت خصم را دیده چو میم کاتبان کور شد از مکدّری

(همان، ص۴۲۴)

تشبیه با "نون"

خاقانی در مدح منوچهر شروان‌شاه گفته است:

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

گر سما چون میم نام او نبودی از نخست همچو نون درهم شکستی تاکنون سقف سما

(همان، ص ۲۰)

او در بیتی دیگر هلال را به حرف نون تشبیه کرده است و انگشت مردم را به الف.

ماه و سر انگشت خلق این چو الف آن چو نون خلق چو طفلانِ نو، شاد به نون‌القلم

(همان، ص ۲۶۱)

و در بیتی دیگر دو کفّهٔ کژاوه را به دو حرف نون مانند کرده است و شکل نون را اندکی چهارگوش کرده تا با مشبّه مورد نظرش همانندی بیشتری داشته باشد.

یـابـی قلـم دو نـون مـربـع نـگاشتـه انـدر میان چو تا دو نقَط کرده مضمرش

(همان، ص۲۱۷)

تشبیه با حرف "هـ(هاء مشقق)"

چون عین عید نعلش وز نقش گوش و چشم هاء مشقق آمد و میم مدوّرش

(همان، ص ۲۲۵)

«هاء مشقق آن است که مدّی میان دو چشم هاء فاصله باشد.» (فرهنگ لغات ص ۱۶۰۴)

در تـوصیف اسب ممدوح، نعلش را به عین، گوشش را بـه هاء و چشمش را به میم مانند کرده است.

تشبیه با "ی"

از حرف صولجان فش، زیرش دو گوی ساکن آمد چو صفر مفلس و در صفر شد توانگر

(دیوان خاقانی، ص ۱۱۹)

«حرف صولجان وش مقصود حرف "ی" و دو گوی دو نقطهٔ آن است و معنی شعر آن است که خورشید از برج حوت (ماهی) به برج حمل (صفر) آمد و از صفر و حمل توانگر شد ... .»

(فرهنگ لغات، سجادی ج ۲ ص ۹۹۳)

تشبیه با "ی" و "سین"

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

خاقانی در تشبیهی زیبا و کاملاً تخیلی عقل و جان را به حروف یا و سین تشبیه کرده است که بر درگاه پیامبر جای گرفته‌اند و تن وقتی که حرف "ن" را از آن بازگیرند "ت" باقی می‌ماند. «تن نیز فانی شده است»

عقل و جان چون یی و سین بر در یا سین خفتند

تن چو نون کز
قلمش دور کنی
(تا) بینند

(دیوان خاقانی، ص ۹۹)

فرجامین تشبیهی که از واکها تیمناً نقل می‌گردد، اختصاص به حرف خاصی ندارد؛ بلکه شاعر در نعت پیامبر (ص) ایشان را بهین و کامل‌ترین سوره و سایر انبیا را در برابرش مانند حروف ابجد می‌شمارد.

بهینه سورهٔ او بود و انبیا ابجد مهینه معنی او بود و اصفیا اسما

(همان، ص ۱۳)

نتیجه‌گیری

هر کدام از شاعران زبان فارسی که بر عنصر زبان تسلط بیشتری داشته‌اند و با دیدهٔ عمیق‌تری به پدیده‌ها و روابط آنها، زبان، واژگان و واکهای تشکیل‌دهندهٔ آنها نگریسته‌اند، مواد و امکانات متنوع و فراوان‌تری برای بیان عواطف و اندیشه‌های خویش در اختیار داشته‌اند. این دسته از شاعران چنانکه ذوقی خدادادی نیز داشته‌اند، بی‌تردید از شاعران سرآمد روزگار خویش شده‌اند.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

بی‌گمان خاقانی شروانی یکی از شاعران نابغهٔ این گروه است، که تعمق و ژرف‌نگری او به روابط ظریف و باریک میان اشیا و پدیده‌ها که گاه زاییدهٔ تخیل شاعرانهٔ اوست، حیرت‌انگیز می‌نماید.

یکی از این موارد، توجه ویژهٔ خاقانی به شکل نگارش، زنگ و روابط میان واکهای تشکیل‌دهندهٔ هر واژه است که با جدا کردن آنها از واژه‌ها، به وسیلهٔ واکهای جدا شده یا واکهای باز مانده، مضامین و تصاویر شگفت‌انگیزی آفریده است. پس با عنایت به شواهد فراوان این مقاله، که بسیاری از آنها نیز حذف شد، بدون تردید می‌توان گفت در آفرینش مضامین هنری با شیوهٔ انقطاع واکها، بیشترین و بهترین ابیات به وسیلهٔ خاقانی سروده شده است، که در این مقاله تقریباً تمام ابیات این نوعی را مورد بررسی قرار داده‌ایم و یکی از دهها هنر خاقانی را به دوستداران شعر و ادب تقدیم کرده‌ایم.

جالب این‌جاست که پرداختن به این نوع آرایه‌های تخیلی و انتزاعی باعث می‌شود که مفهوم به فراموشی سپرده شود؛ در حالی‌که خاقانی نه تنها مفاهیم را فدای آرایه‌سازی نکرده، بلکه به نحوی بسیار هنرمندانه آرایه‌ها را دستمایهٔ آفرینش مضامینی تازه قرار داده است و مثالهای متنوعی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، مؤید این امر است.

نکتهٔ پایانی اینکه، هرچند ممکن است که این نوع آفرینش هنری، ریشه در گروهی از شبه‌آرایه‌های تفننی و بازی با حروف همچون: مقطع و موصّل و رقطا و خیفا و هجا و ... داشته باشد که جز سرگرمی را نشایند، امّا چنانکه دیدیم شاعران هنرمندی چون خاقانی، نظامی، انوری و ... با دلایلی که بیان شد، با نگرشی دگرگونه به ساختمان واکها، واژه‌ها و جمله‌ها، آن را دستمایهٔ آفرینش مضمون‌های اخلاقی، هنری، و تشبیهات بدیع و زیبا قرار داده‌اند.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

پی نوشتها

۱- همچنین بـــرای آگاهی بیشتر از تعبیرهای "لا" نگاه کنـــید به کتاب "در سایه آفتاب" صفحات (۲۲۲-۲۳۱).

۲- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به شرح گلشن راز، لاهیجی، ص ۲۴

۳- بنگرید به نوعی تشبیه حروفی، دکتر علی‌رضا حاجیان نژاد، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۰، شمارهٔ ۱۶۰.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

منابع

قرآن کریم.

انـوری ابیوردی. *دیوان اشعار*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۴.

بیهقی، ابوالفضل. *تاریخ بیهقی*، جلد دوم، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، مهتاب، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۳.

جامی، عبدالرحمان. *نفحات‌الانس*، تصحیح محمود عابدی، اطلاعات، تهران ۱۳۷۰.

حافظ شیرازی. *دیوان غزلیات*، قزوینی ـ غنی، به کوشش ع جربزه‌دار، اساطیر، تهران ۱۳۶۷.

خاقانی‌شروانی. *دیوان اشعار*، تصحیح ضیاءالدین سجادی، زوار، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۷.

رازی، شمس قیس. المعجم فی معاییر اشعارالعجم، تصحیح محمد قزوینی ـ مدرس رضوی، زوار، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۰.

رودکی سمرقندی. *گزیدهٔ اشعار*، پژوهش جعفر شعار ـ حسن انوری، امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۹.

سجادی، ضیاءالدین. *فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی*، زوار، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴.

سعد سلمان، مسعود. *دیوان*، تصحیح رشید یاسمی، امیرکبیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲.

سنایی غزنوی. *دیوان اشعار*، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، کتابخانهٔ سنایی، بی‌تا.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. *موسیقی شعر*، آگاه، تهران ۱۳۶۸.

شمیسا، سیروس. *نگاهی تازه به بدیع*، فردوس، چاپ ششم، تهران ۱۳۷۳.

طـوسی، نظام‌الملک. *سیاست‌نامه*، تصحیـح جعفر شعـار، کتابهای جیبی، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۴.

عبـدالرزاق، جمال‌الدین. دیـوان *اشعار*، تصحیح وحید دستگردی، سنایی، چـاپ دوم، تهران ۱۳۶۲.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com

Archive of SID

عطار نیشابوری. *دیوان اشعار*، به اهتمام تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، تهران ۱۳۶۸.

کزازی، میرجلال‌الدین. *زیباشناسی سخن پارسی*، ج ۳، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۳.

ـــــــــــــــ. *گزارش دشواریهای دیوان خاقانی*، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۸.

گیلانی، شمس‌العلمای. *ابدع‌البدایع*، به اهتمام حسین جعفری، احرار، تبریز ۱۳۷۷.

لاهیجی، محمد. *شرح گلشن راز*، کتابفروشی محمودی، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۶.

نجف‌قلی میرزا آقا، سردار. *درهٔ نجفی*، به کوشش حسین آهی، کتابفروشی فروغی، چاپ اول.

نظامی گنجوی. *خسرو و شیرین*، تصحیح وحید دستگردی، علمی، تهران، بی‌تا.

ـــــــــــــــ. *هفت پیکر*، به کوشش حسن وحید دستگردی، علمی، بی‌تا، تهران.

www.SID.ir

This PDF was created using the Sonic PDF Creator.
To remove this watermark, please license this product at www.investintech.com